

بوی دنیا را ترا چهارم که بنای کار با برین و مدارا نهند عین
 و تفریح که در رضای خلق رضای حق طلبند ششم که رضای حق
 در مخالفت حق طلبند هفتم که چون از حکم طلبند عدل کند و چون
 رحمت طلبند عفو نماید چه رحمت بر خلق سبب رحمت حق تعالی
 چنانچه در حدیث صحیح است *الرحمن الرحیم الرحمن الرحیم* و اگر مؤمن
 فی الارض یرحمکم من فی السماء یرحمکم اگر بصحبت اهل حق مال باشد
 و از مواضع و مضایح شقیق شود و نیم که هر کس را در مرتبه استحقاق
 دارد و هم که بان قناعت کند که خود ظلم کند بلکه سیاست ملک
 بر وجهی نماید که اعمال دشکریان در عیال را با هم دیگر مجال ظلم نباشد
 چه بعضی از ظلم را با عین و کلام مستول عن بر عینه هر چه در ملک است
 شود و چون بواسطه قصور سیاست او باشد روز قیامت
 از سوال خوانند فرموده و در اخبار آورده اند که عمر ابن عبدالعزیز
 که مجال عدالت و فرط تقوی و طهارت موصوف بود بعد از وفات
 در خواب دیدند و از حال او پرسیدند گفت یک سال مراد در ملا
 مجاب داشتند بجهت آنکه سوراخی در پل واقع شده بود و کوفته

بای در آن سوراخ رفته بخرج شده با من عتاب کردند که چرا باید که
 چون مصالح خلق در عهده اتمام تو بود در ضبط و نظر امور تمام
 کنی پس باید که رعیت را بالترام قوانین عدالت و انصاف بضیعت
 تکلیف فرماید چه چنانچه تو ام بدین بطبیعت است و تو ام طبیعت
 نفس و تو ام نفس بعقل تو ام مدینه بلکه است و تو ام ملک
 سیاست و تو ام سیاست بحکمت که عین شریعت و ناموس
 جمهور برینج شریعت باشد انظام حاصل تواند بود و چون از آن
 منج تویم انحراف باید بصحبت در وقت ملک برود افلاطون الی
 کوید احفظ التاموس بحفظک یعنی شریعت را نگاه دار تا شریعت
 ترا نگاه دارد و چون از قیام بمصالح عدالت فارغ شود عینا
 بهمت را بجانب فضل و احسان منعطف سازد چه هیچ خصمت
 اشرف از فضل و احسان نیست چنانچه بتفصیل مبین شده در
 احسان نیز رعایت مقادیر استحقاق باید نمود و باید که احسان
 قریب بهمت و خشم باشد چه با سقوط بهمت احسان سبب
 انبساط زیر دستان دارد و باید طمع ایشان کرده و اگر شیل خارج